

## درآمدی بر ارزشیابی اخلاق ناصری

علی‌رضا میرزامحمد<sup>۱</sup>

### چکیده:

اخلاق ناصری یکی از آثار علمی بر جای مانده از خواجه نصیرالدین طوسی در موضوع حکمت و اخلاق است که به زبان فارسی و با نثری متین و شیوا نگارش یافته و نظر اهل علم و ادب را به خود معطوف داشته و حتی تحسین برخی از خاورشناسان بنام را برانگیخته است. محقق طوسی در این کتاب که به طبقه نثر تعلیمی تعلق دارد و نخستین رساله از رسالات سه گانه در خصوص اخلاقیات است، می‌کوشد با روشی منطقی به ارائه طریق در تربیت نفس پردازد و راه وصول به کمال عقلی را هموار سازد. این مقاله در پی آن است که دیدگاه خواجه نصیر به علم اخلاق و روش کار وی را در شکل‌گیری ساختار علمی - ادبی اخلاق ناصری مورد بررسی قرار دهد، تصویری روشن از میزان توجه و اعتنای بزرگان دین و دانش را بدان ارائه نماید، به تبیین وصایای اخلاقی افلاطون از زبان خواجه پردازد و از تأثیر اندیشه‌های اخلاقی دانشمند طوس در پیدایش اخلاق ناصری سخن به میان آورد.

### واژگان کلیدی:

اخلاق، حکمت عملی، اخلاق ناصری، زبان فارسی، تربیت نفس، کمال عقلی، تعبیرات علمی، نسخه‌شناسی، وصایای افلاطون.

استاد بشر و معلّم ثالث، خواجه نصیرالدین طوسی (م ۶۷۲هـ) حکیمی متألّه،

*Archive of SID*

متکلمی زبردست، ریاضی‌دانی سرشناس، منجمی ماهر و سیاستمداری توانا بود که در حفظ و تحوّل فلسفه اسلامی و گسترش کلام شیعی و پویایی دانش هیئت نقش بسزا داشت. وی از نوابغ علم و نوادر روزگار بود که جهان همانندش را کمتر به خود دیده است. در فلسفه و کلام به باریک‌بینی و ژرفنگری شهرت یافت و در معقول و منقول و طبیعیات ید طولیایی داشت و در ریاضیات و فلک و جغرافی نیز زبانزد خاص و عام بود. همو در عین اشتغال به کار دیوانی، از محققان پرکار و سخت کوشی به شمار می‌رود که در نشر و توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی گامهای مؤثری برداشت و میراث علمی گرانبهایی را از خود به یادگار گذاشت. خواجه نصیر این شهسوار میدان علم و سیاست را در میان آن همه آثار بهاور و ارجدار، کتابی است مشهور در اخلاق که به پیشنهاد ناصرالدین ابوالفتح عبدالرحیم بن ابی منصور حاکم و محتشم قهستان تألیف آن را آغاز کرد و در سال (۶۳۳هـ) (ریپکا، ص ۱۴۳؛ مدرس رضوی، ص ۴۵۴) از تحریرش فراغت یافت. ابتدا بنا بود کتاب «الطهارة» تصنیف ابوعلی احمد بن محمد بن مسکویه خازن رازی را از عربی به پارسی برگرداند و سپس حکمت مدنی و حکمت منزلی را بر آن افزاید (حاجی خلیفه، ج ۱، ص ۳۸، آقا بزرگ تهرانی، ج ۱، ص ۳۸۰-۳۸۱)؛ اما وقتی که دریافت معانی بدان شریفی را از الفاظی بدان لطیفی که گویی قبایی است بر بالای آن دوخته، سلخ کردن و در لباس عبارتی واهی نسخ کردن عین مسخ کردن باشد (نصیرالدین طوسی، ص ۳۵-۳۶) از ترجمه چشم پوشید و بر آن شد که کتابی مستقل در حکمت عملی مشتمل بر تهذیب اخلاق و تدبیر منازل و سیاست مدن بنگارد و در بخش حکمت خلقی از آراء و اقوال ابوعلی مسکویه (همان) متابعت کند و در دو بخش دیگر از نظر نظریات حکیمان بزرگ بهره گیرد، چنانکه در تدبیر منازل به ابوعلی سینا (ر.ج: همان، ص ۲۰۸) اقتدا کرده و در سیاست مدن از نکته‌ها و سخنان فارابی (ر.ج: همان، ص ۲۴۸) سود جسته است. البتّه، باید توجه داشت که آن بزرگ مرد نه تنها

از این مراجع عربی به صورت ترجمه استفاده نکرده است، بلکه بی‌گمان به هنگام خلاصه‌برداری تغییراتی در آنها داده و با افزودن مطالب بکر تراویده از علم سرشار و فکر پویای خود، ارزش کتاب را دو چندان کرده است.

*Archive of SID*

### ساختار علمی و ادبی کتاب:

محقق طوسی بر این اساس، مجموعه‌ای نفیس در سه مقالت و سی فصل ترتیب داد و چون سبب تألیف اقتراح و اشارت ناصرالدین بود، آن را اخلاق ناصری نام نهاد. وی انگیزه خود را از گزینش و تلخیص کتاب ابن مسکویه، وجود اشارات لطیف و نکات دقیق و معانی بکر و عمیق در قالب الفاظ و عبارات فصیح و شیوا می‌داند و با سرودن شعر زیر بر این باور صحه می‌گذارد:

بنفسی کتابا حاز کلّ فضیلة	وصار لتکمیل البریة ضامنا
مؤلفه قدأبرز الحقّ خالصا	بتألیفه من بعد ماکان کامنا
ووسمه باسم الطهارة قاضیا	به حقّ معناه و لم یک ماینا
لقدبدل المجهود لله دره	فماکان فی نصح الخلاق خاینا

(الصدر، ص ۴۱۵؛ خوانساری، ج ۱، ص ۲۵۵)

جانم فدای کتابی که هرگونه فضیلتی را دربر دارد و آدمیان را کمال به ارمغان آرد.

نویسنده‌اش با نگارش آن، حق را که پنهان بود، نیک برملا نمود.

وی کتاب را «طهارت» نام نهاد و با این نامگذاری حقّ مطلب را ادا کرد و هرگز

زبان به دروغ نگشاد.

خدای تعالی خیرش دهد که در این کار بس کوشید و از اندرز دادن خلائق

هیچگاه دریغ نورزید.

اخلاق ناصری از انگشت شمار کتابهایی است که در علم اخلاق فلسفی

نگارش یافته و خواجه نصیر را از تدوین آن هدفی جز این نبوده است که با تربیت

نفس راه وصول به کمال عقلی را هموار سازد. این کتاب به طبقه نثر تعلیمی تعلق دارد

و اولین رساله از رسالات سه گانه در خصوص اخلاقیات است (ریپکا، ص ۱۴۳) که قبل از انشای گلستان سعدی و به شیوه کللیه و دمنه نصرالله منشی نوشته شده و مؤلف از عهده تحریر آن سبک بسیار خوب برآمده است. (نصیر الدین طوسی، ص ۱۷) *نثر وی* عالمانه یعنی روان و ساده و در حقیقت زبان رایج دوره اوست و خواجه همه جا درصدد ترجمه ترکیبات و تعبیرات علمی به فارسی نیست، بلکه به استعمال آنچه در این ابواب میان علمای عهد رواج داشت، اکتفا می‌کرد. با این حال، در آثارش ترکیبات فارسی یا تعبیراتی که ترجمه‌های درست و دلپذیری از تعبیرات علمی عربی باشد، کم نیست. (صفا، ج ۳/۲، ص ۱۲۰۴) این اثر نه تنها از خوض و غور و تأمل و دقت نظر صاحب آن در مسایل اخلاقی حکایت دارد، بلکه جلوه‌گاه ادبیاتی نافذ و بارور و پویا محسوب می‌شود، به ویژه که کاربرد بسیاری از الفاظ و ترکیبات فارسی بکر و بدیع و زیبا ارزش آن را دوچندان کرده و بر اعتبار ادبی‌اش افزوده است. اینک نموداری از اینگونه واژه‌ها:<sup>۱</sup>

آوازاها: نغمه‌ها، نته‌ها، آهنگها. (۲۱۲)

اندک مایه: اندکی، کمی. (۷۲)

اندیشه: نگرانی خاطر، فکر آمیخته به اندوه. (۱۹۸)

بار گرفتن: بارور شدن. (۶۰)

بددلی: جبن، ترس، بزدلی. (۱۰۱)

برانگیختن: کنده‌کاری کردن، نقش درآوردن. (۱۸۱)

بر سر یکدیگر نشستن: بر هم اضافه شدن. (۱۹۱)

برگ: توشه، بهره. (۷۸)

پای فرو کردن: پای به پیش دراز کردن. (۲۳۲)

پرستار: خدمتکار، خدمتگزار، مستخدم. (۱۶۴)

<sup>۱</sup> معانی این کلمات و ترکیبات با مراجعه به متن کتاب اخلاق ناصری، واژه‌نامه کتاب و فرهنگ فارسی معین

ترازوگری: ترازوسازی. (۲۱۲)

خارستان: جای پر خار، خارزار. (۷۸)

## Archive of SID

خوش منشی: نیکاندریشی، خوشرفتاری. (۱۱۶)

دراززبانی: زبان درازی، پرحرفی. (۳۳۷)

درست کردن: ثابت کردن. (۵۵)

راهگذریان: بی‌فکران نامهربان. (۲۴۲)

روی کشیده: آب داده، سگه مس که آن را آب داده باشند. (۱۵۹)

سپاهی‌گری: سربازی، خدمت نظام. (۲۱۲)

سخن باریک: سخن دقیق و برتر از عرف و عادت که زاده زیرکی و هشیاری است. (۲۳۱)

سخن نافر جام: دشنام، ناسزا. (۱۸۳)

سنگ افسان: سنگی که با آن کارد، چاقو، اسکنه و شمشیر تیز می‌کنند، سنگ چاقوتیزکن. (۱۶۷)

فراخ دست: توانگر، ثروتمند. (۱۲۵)

فرسودگی: عادت کردن به تحمل. (۳۳۷)

کدخدائی: تدبیر منزل، اداره کردن امور خانه که بر عهده مرد باشد، مرد خانه بودن. (۲۱۵)

گران شمردن: بزرگ شمردن. (۲۴۰)

گریزی: زرنگی در راه نادرست، حيله‌گری، دستان. (۱۶۸ - ۱۱۹)

گستاخ بودن: بی‌رو در بایستی بودن. (۲۳۵)

گشن دادن: افشاندن گرد گلهای نر بر گلهای ماده، گرده‌افشانی، لقاح، تلقیح. (۶۰)

نافرهخته: تربیت نشده، اهلی نشده. (۱۲۸)

ناهمواری نمودن: ناسازگاری، تغییر، تندی، حرکات نامنتظم کردن. (۱۸۲)

نرم آهن: آهن نرم آب نداده که با آن نوعی شمشیر سازند. (۱۰۷)

نکوهیده داشتن: حقیر و خوار شمردن. (۲۲۷)

نهادن: شمردن، فرض کردن. (۸۴)

نهفت نیاز: آنکه احتیاج خود را نهفته دارد. (۲۱۴)

نیکو سخنی: خوش گفتاری، خوش بیانی. (۱۱۶)

همگان: همگان، عموم. (۷۸ - ۴۳)

## Archive of SID

در قدرت اندیشه و قلم خواجه نصیرالدین طوسی، این پیستاز عرضه دین و دانش و فرهنگ همین بس که ریپکا<sup>۱</sup> (ریپکا، ص ۱۴۲) او را از اخلاقیون معروف می‌داند و براون<sup>۲</sup> (ر.ج: نصیر الدین طوسی، ص ۲۲) آن جناب را نویسنده بهترین کتاب در علم اخلاق به زبان پارسی می‌خواند. ملک الشعراى بهار (ر.ج: بهار، ج ۳، ص ۱۵۷) هم وی را سرآمد نویسندگان کتابهای علمی در قرن هفتم می‌شمرد و از او با تعبیری چون ستاره درخشان، پیشاهنگ و پادشاه علمای دوران، ملک الحکما و خواجه بزرگ فاضل عالم فیلسوف نام می‌برد و کتاب اخلاق ناصری را مهم‌ترین اثر علمی‌اش به زبان پارسی می‌داند که در عین سادگی و روانی و ایجاز به رنگ و بوی سبک متقدمان نگارش یافته است.

در هر حال، می‌توان گفت که اخلاق ناصری بهترین کتاب حکمت در حوزه تمدن اسلامی است که براساس فلسفه ارسطو نوشته شده است و دیگر کتابهای اخلاق نیز به تأثیر از آن پدید آمده‌اند. این کتاب را به شرط صحت تاریخ تألیف آن، باید کهن‌ترین کتاب از سلسله آثار مکتوب محقق طوسی قلمداد کرد که به دست مارسیده است، منتها چون از دستگاه اسماعیلیه بیرون آمد، تحریری نو از کتاب ارائه داد که بیشتر نسخه‌های موجود از این تحریر ثانوی است و تنها نخستین مقدمه که برای ناصرالدین محتشم قهستان نگارش یافته بود، با اندک تغییراتی در آنها محفوظ مانده است. (ر.ج: نصیر الدین طوسی، صص ۱۸-۱۶ و ۳۷-۳۳؛ مدرس رضوی، ص ۴۵۴-۴۵۰)

### نسخه‌های خطی، شرحها و گزیده‌ها:

اخلاق ناصری را نسخه‌هایی است خطی (منزوی، ج ۲/۲، ص ۱۵۳۸-۱۵۳۴، شماره ۱۵۰۷۵-۱۴۹۹۴؛ ۸۱ نسخه، انوار، ج ۱، ص ۳۴۸-۲۹۹ و ج ۲، ص ۵۴۷-۵۳۵ و ج ۳،

<sup>1</sup>. Rypka.

<sup>2</sup>. Browne.

ص ۲۸۱-۱۱۷؛ منزوی، بخش پنجم، ج ۲، ص ۸۹۱-۸۹۰، شماره، ۲۰۹۶-۲۰۸۶، ۱۱ نسخه؛ نصیر الدین طوسی، ص ۱۳-۸، مدرس رضوی، ص ۴۵۵-۴۵۴، آقا بزرگ تهران، ج ۱، ص (۳۸۱) که در کتابخانه‌های معتبر ایران و جهان نگهداری می‌شود. تعدادی از آنها در کتابخانه‌های مراکز علمی پاکستان، ترکیه، نجف، قاهره، ادنبرگ، لنینگراد، کپنهاک، پاریس، بنگال، مدینه و موزه بریتانیا وجود دارد و بسیاری در کتابخانه‌های معروف ایران، چون ملک، سپهسالار، الهیات، مجلس، دانشگاه، ملی، حقوق، ادبیات تهران و تبریز، دانشسرای عالی، رضوی، فیضیه و مینوی محفوظ است و شماری را هم می‌توان در میان کتابخانه‌های شخصی طاهری، دهخدا، مفتاح، اصغر مهدوی و حسن سادات ناصری در تهران؛ فرخ و عبدالحمید مولوی در مشهد؛ اعتمادالدوله و قاسم برنا در همدان و محمد علی فرهمند در یزد یافت. این نسخه‌ها نشان می‌دهد که کتاب مزبور در گستره حکمت عملی از ارزش خاصی برخوردار بوده و همواره نظر اهل فضل و قلم را به خود معطوف داشته است.

اخلاق ناصری سه شرح معروف دارد که یکی از عبدالرحمن بن عبدالکریم عباسی برهان پوری است<sup>۱</sup> به نام عالم‌گیر شاه (۱۱۱۸م) و با عنوان «شرح اخلاق ناصری» در دو بخش مشتمل بر شرح لغات و تعبیرات، و تفسیر احادیث و آیات و اقوال بزرگان علم و دین (آقا بزرگ تهرانی، ج ۱۳، ص ۶۷) و دو دیگر به همین نام از تاج‌العلماء سید علی محمد لکنهوی (۱۳۱۲م) و سه دیگر از ابن خاتون عاملی که آن را به نام سلطان عبدالله قطب شاه بهادر خان ساخته و «توضیح‌الاخلاق قطب شاهی» نامیده است. (مدرس رضوی، ص ۴۵۵) از این شرح‌هایی خطی (مدرس رضوی، ص ۴۵۶؛ نصیر الدین طوسی، ص ۱۳؛ منزوی، نسخه‌های فارسی، ج ۲/۲، ص ۱۵۸۷) در کتابخانه‌های ملی، مجلس، رضوی و سلطان‌القرائی موجود می‌باشد.

۱. مدرس رضوی شرح برهان پوری را لطیف خوانده و به وجود نسخه‌هایی از آن در کتابخانه سلطنتی (سابق)

از اخلاق ناصری چهار گزیده در دست است که نخستین آنها به تاریخ ۷۶۴<sup>۱</sup> نوشته شده و «ترکیه‌الارواح عن موانع الافلاح» (حاجی خلیفه، ج ۱، ص ۴۹۰؛ آقا بزرگ تهرانی، ج ۴، ص ۱۷۱، وی نسخه ای از آن را نزد سید محمد باقر نواده آیت الله یزدی در نجف، ملاحظه کرده است.) نام دارد و دومی در تاریخ ۹۵۶هـ، ترتیب یافته و جزو مخطوطات کتابخانه استاد جلال‌الدین محدث ارموی است (مدرس رضوی، ص ۴۵۷) و سومی به فرمان شاه صفی در سال ۱۰۵۱هـ توسط خلیفه سلطان سید امیرعلاء‌الدین حسین آملی (۱۰۶۴هـ م) فراهم آمده و «توضیح الاخلاق» (آقا بزرگ تهرانی، ج ۴، ص ۴۹۰؛ منزوی، ج ۲/۲، ص ۱۵۸۶-۱۵۸۷؛ مدرس رضوی، ص ۴۵۶) نام گرفته است و چهارمی هم به اهتمام استاد جلال‌الدین همایی تدوین گردیده و با عنوان «منتخب اخلاق ناصری» در سال ۱۳۲۰ش از سوی وزارت فرهنگ به زیور طبع آراسته شده است.

کتاب اخلاق ناصری بارها در بلاد مختلف از جمله: بمبئی (۱۲۶۷هـ)، کلکته (۱۲۶۹هـ)، لکنهو (۱۲۸۶هـ) و تهران (۱۳۵۶ش) به چاپ رسیده و به زبانهای عربی، ترکی و انگلیسی نیز ترجمه شده است. ترجمه عربی به اهتمام شیخ رکن‌الدین جرجانی (همان، ص ۴۵۶) انجام پذیرفته و ترجمه ترکی به قلم ابن الحنائی (۹۷۹م) صورت گرفته است که «اخلاق علائی» (حاجی خلیفه ج ۱، ص ۳۷ و مقایسه کنید با انوار، ج ۴، ص ۴۸۳، این ترجمه به سال ۱۲۴۸ هجری در مطبوعه بولاق چاپ شده است) نام دارد. ترجمه انگلیسی هم با کوشش و پشتکار ویکنز<sup>۱</sup> تحقّق یافته و به سال ۱۹۶۴م در لندن مطبوع افتاده است. (ر.ج: نصیر الدین طوسی، ص ۶۰۱).

### خواجه نصیر و افلاطون:

همانطور که خواجه نصیرالدین طوسی در تصنیف اخلاق ناصری به طهاره الاعراق ابوعلی مسکویه نظر داشته و در مقالت دوم و سوم از آراء ابوعلی سینا و فارابی

<sup>1</sup> Wickens



بهره جسته است، در پایان کتاب نیز وصایای افلاطون را به شاگردش ارسطو که حاوی نکات دقیق اخلاقی و اندرزهای مفید عرفانی و حکمتهای رهگشای متعالی است و عموم خلق را نافع تواند بود، ترجمه کرده و با نثری پخته و سخنة به نثریر آن همت گمارده است که اصل عربی آن را در کتاب ابوعلی مسکویه (ابوعلی مسکویه، ص ۲۱۹-۲۱۷) می‌توان از نظر گذراند. بی‌گمان این وصایا در حکم دستورالعملی است سودمند که روش زندگی صحیح این جهانی را می‌آموزد و راه نیل به سعادت جاودانی را هموار می‌سازد. افلاطون در این وصایا ارسطو را به نکته‌های ارزشمندی چون شناخت خدای تعالی، تعلیم و تعلم و توقیر دانشوران فراخوانده و توجه او را به مواهب الهی جلب کرده است. همو گوشزد می‌کند که شاگردش همواره نعمتهایی را از خدا بخواهد که نفعش بسیار و ماندگار باشد و فوایدش پایدار و برقرار. پدرانۀ هشدار می‌دهد که شرور را اسباب گوناگونی است و گرد آرزوهای ناشایست گشتن هرگز سزاوار نیست. آنگاه بر این اصل تأکید می‌ورزد که انتقام الهی از بنده به تقویم و تأدیب است نه سخط و عتاب و چون از حیات و موت سخن به میان آورد، بر شایستگی هر دو با تکیه بر اکتساب برونیکی نظر دارد. محاسبه نفس را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌داند که بدان آدمی از سقوط به پرتگاه انحراف و انحطاط در امان می‌ماند. وی در این محاسبه شاگردش را بدین امر فرامی‌خواند که در احوال خویش بنگرد و دریابد که چه خطایی مرتکب شده است، به چه کار خیری شتافته است و یا چه عملی به تقصیر از او فوت گردیده است؟ سپس آغاز و انجام کارش را به رخ او می‌کشد که از نطفه‌ای ناچیز در وجود آمده است و عاقبت در پنجه مرگ و نیستی گرفتار خواهد شد و از آن پس پای به مرحله‌ای دیگر از حیات خواهد نهاد که جای حساب است نه عمل. از این روست که چون کارهای عالم را در معرض تغیر و زوال می‌بیند، وی را از مردم‌آزاری برحذر می‌دارد و بدبختی را در غفلت ورزیدن از عاقبت‌اندیشی و بازنایستادن از لغزش و خطا می‌داند. بر احسان بی‌درخواست پای می‌فشرد و شادمانی از لذت‌های زودگذر و بی‌تابی در مصیبت‌ها را جایز نمی‌شمرد و این کارها را بیگانه با حکمت می‌خواند. بر یاد مرگ و

عبرت‌آموزی از مردگان تأکید می‌ورزد و بیهوده لب به سخن گشودن و گفتار غیرمسئولانه بر زبان راندن را نشانه حساست و فرومایگی می‌پندارد و آن کس را حکیم می‌انگارد که قولش از اندیشه خیزد و با عمل درآمیزد که حکمت قولی این جهانی است و حکمت عملی آن جهانی. همه کس را دوست داشتن و زود خشم نبودن و به رفع نیاز محتاجان شتافتن و از بدکاران اجتناب کردن مرام اوست. به نیکوکاری فرمان می‌دهد، چون می‌داند که رنج نیکی از میان رود و کار نیک ماندگار شود و از تبهکاری باز می‌دارد، چون بر این باور است که لذت گناه زود بگذرد و فعل بد برجای بماند. سعیش این است که به کار آخرت پردازد و توشه راه فراهم سازد، باطل را محو گرداند و حق را به جای آن نشاند و رذایل را بزدايد و بر فضایل بیفزاید تا مگر آدمی به حکمت روی آرد، در کار خیر کوشد، بدی را به نیکی مکافات کند و دمی از آموختن غفلت نورزد.

در مجموع، افلاطون شاگرد تیزفهمش را به دنیاگریزی، حکمت اندوزی، هدفداری، وقت‌شناسی، دانایی، فروتنی، شکیبایی، دادگری، استقامت و پایداری ترغیب می‌کند و از نابخردی، خودپسندی، گردن‌فرازی، باطل‌گرایی، ستیزه‌جویی، کژاندیشی، ملامتگری، سهل‌انگاری، اعتماد بر بخت و تبهکاری باز می‌دارد .

### **اخلاق ناصری جلوه‌ای از خلق و خوی خواجه:**

در مجموع، اخلاق ناصری را با تمام حقایق و دقایق نهفته در آن باید نمودی روشن از خصال نیکو و فضایل وجودی ارزنده خواجه نصیر به شمار آورد، چه وی گذشته از اینکه متفکری بزرگ و حکیمی برجسته بود و در علوم و فنون گوناگون تبخّر و مهارتی خاص داشت و آثار پربرهای ماندگاری از خود بر جای نهاد، آنچنان به زیور صفات حمیده و اخلاق پسندیده آراسته بود که معاصرانش همه او را به مکارم اخلاق و محاسن عادات ستوده‌اند .

علامه حلی که شاگرد و شارح کتابهای اوست، نه تنها آن بزرگوار را سرآمد اهل زمان خود در علوم عقلی و نقلی می‌داند و استاد بشر و عقل یازدهم می‌خواند. (الامین، ج ۹، ص ۶۱۵) درباره اخلاقش ضمن اجازه بنی زهره چنین گوید:

*Archive of SID*

او شریف‌ترین کسی است که ما تاکنون در اخلاق دیده‌ایم - خدا آرامگاهش را نورانی کند. (مدرس رضوی، ص ۷۸) ابن الفوطی که او نیز از شاگردان خواجه بوده و سالها در خدمتش به سر می‌برده است، درباره اخلاق وی در الحوادث الجامعه گوید:

خواجه مردی فاضل و کریم‌الاخلاق و نیکوسیرت و فروتن بود و هیچگاه از درخواست کسی دلتنگ نمی‌شد و حاجتمندی را رد نمی‌کرد و برخورد او با همه به خوشرویی بود. (همان) ابن شاکر هم در فوات الوفيات اخلاق او را چنین وصف کرده است:

خواجه بسیار نیکو صورت و خوشرو و کریم و سخی و بردبار و خوش معاشرت و زیرک و بافراست بود و یکی اردهات روزگار به شمار می‌رفت. وی در حق همه نیکی می‌کرد و با مکات و جاهی که داشت، شخصی متواضع و گشاده‌رو و نیکو معاشرت بود. (همان، ص ۷۸-۷۹ با اندکی تصرف و تخلص)

مؤیدالدین عرضی که از دستیاران خواجه در رصدخانه مراغه بود، در مقدمه رساله‌ای که در شرح آلات و ادوات رصدخانه مزبور نوشته است، به توصیف فضایل اخلاقی آن دانشی مرد بزرگ پرداخته گوید:

مولای بزرگوار و مقتدای عالی مقدار، عالم فاضل و محقق کامل، پیشوای دانشوران و مهتر فرزنانگان، سرآمد علمای اسلام در گذشته و حال، کسی که خداوند سبحان از میان همه مردم زمان، تنها او را برگزید و تمامی فضایل و مناقب پسندیده، به ویژه نیک سیرتی، بردباری، استواری اندیشه، تیزفهمی و احاطه به دانشهای گوناگون را در وجودش جمع فرمود و با عطایا و بخششهای او علما را گرد هم آورد، همو که از پدر نسبت به آنان مهربان‌تر است. ما در سایه سار لطف او از آسایش و آرامش کامل برخورداریم و به دیدار وی شادمان و کامکاریم، چنانکه گفته‌اند:

نمیل علی جوانبه کائنا

نمیل اذانمیل علی آیینا

و نغضبه لتخبر حالتيه

فنلقى منهما کرما ولینا

*Archive of SID*

گرداگرد او می‌گردیم، همچنانکه به پدرمان روی می‌آوریم. او را به خشم می‌آوریم تا در دو حالت خشمگینی و خشنودی‌اش بیازماییم، لیک در هر حال او را بخشنده و مهربان می‌یابیم. این بزرگ‌مرد، خواجه نصیرالدین طوسی است که درباره‌اش نوشته‌اند:

و استکبرالأخبار قبل لقائه  
فلما التقیناصغرالخبر الخبر

پیش از دیدار او آنچه درباره‌اش می‌گفتند، مبالغه‌آمیز می‌نمود و چون او را دیدیم، بس والامقام‌تر از آن یافتیم که می‌پنداشتیم.

سپاس خدای را که ما را در خدمت او گرد آورد و به فواید وجودی‌اش سرافراز و مسرورمان ساخت. گرچه از خانه و وطن و خویشان و فرزندان خود دور گشته‌ایم، لیکن عوض هر چه از دست داده‌ایم، در وجود او یافت می‌شود. هر که او را یافت، هیچ چیز از دست نداد و هر که او را از دست داد، همه چیز را در باخت. خداوند او را از ما نگیرد و ما را به درازی عمر وی بهره‌مند گرداند. (الامین، ج ۹، ص ۶۱۷؛ مدرس رضوی، ص ۸۰)

این شمه‌ای بود از آنچه درباره اخلاق خواجه نصیر گفته‌اند که در واقع اعتراف جدی و فروتنانه به فضایل این دانشمند بزرگ و نستوه است. بی‌گمان با احراز چنین مرتبتی والا در اخلاق بوده است که وی به خلق آثاری وزین و ماندگار، به ویژه کتاب بی‌بدیل اخلاق ناصری موفق آمد و بدین وسیله ارزشهای وجودی خویش را در عمل به نمایش گذارد. سلوک و رفتار و منش این چهره برجسته فرهنگ و تمدن اسلامی که شخصیتی ممتاز و پیشتاز در علم و ادب و اخلاق بود، باید سرمشقی درخشان فراروی فرهیختگان جهان اسلام قرار گیرد تا زمینه رشد و تعالی و پیشرفت روزافزون امت مسلمان فراهم آید.

از آنچه گفته آمد، بدین نتیجه می‌توان دست یافت که اخلاق ناصری بهترین کتاب در علم اخلاق به زبان فارسی است و از فضل تقدّم برخوردار است. آنچه به نگارنده نظر علمی متقن و وزین و درخور ستایش است و بر مجموعه‌ای نفیس از مصطلحات اخلاقی اشتمال دارد و پژوهندگانی که پس از خواجه نصیر در این میدان گام نهاده‌اند، بدو اقتدا کرده و حاصل اندیشه پویا و رهگشای او را سرمشق کار خویش قرار داده‌اند، بلکه به لحاظ ادبی میراث مکتوبی است آکنده از الفاظ و ترکیبات و تعبیرات فارسی بکر و بدیع و آراسته به نثری روان و ساده و در عین حال عالمانه که ارزش آن را دوچندان می‌سازد. این دو ویژگی برجسته موجب شده است که اخلاق ناصری به عنوان گنجینه علمی ممتاز و منحصر به فردی در گذر تاریخ پرفراز و نشیب به شمار آید. بی‌گمان، این مزایا چیزی جز بازتاب فضایل اخلاقی و ارزشهای وجودی نهفته در دل و جان صاحب اثر نمی‌تواند بوده باشد که فکر و اندیشه او را در خلق اثر ارجدار و ماندگارش بارور ساخت. کثرت نسخه‌های بر جای مانده از اخلاق ناصری که در کتابخانه‌های معتبر ایران و جهان وجود دارد، به انضمام شرحها و گزیده‌ها و ترجمه‌های آن که به اهتمام بزرگان علم و ادب و فرهنگ فراهم آمده است، همگی از اهمیت و ارزش فوق‌العاده این اثر وزین علمی در گستره تاریخ تمدن اسلامی حکایت دارد، به ویژه که محقق طوسی برای پربار کردن اندیشه‌های اخلاقی در کتاب شریف اخلاق ناصری از منابع اسلامی و غیراسلامی بهره‌های فراوان برده است، لیکن بدون آنکه ابتکار عمل را در تصنیف از دست داده باشد. از این رو، شایسته است که کتاب مزبور از دو بعد علمی و ادبی مورد توجه مراکز آموزش عالی قرار گیرد و به عنوان متن درسی دانشگاهی در رشته‌های علوم و معارف اسلامی و زبان و ادبیات فارسی انتخاب و تدریس شود.

## فهرست منابع

### Archive of SID

- ۱- آقابزرگ تهرانی: الذریعه الى تصانیف الشیعه، بیروت، دارالاضواء، چاپ سوم، ۱۴۰۳/هـ / ۱۹۸۳ م.
- ۲- ابوعلی مسکویه، احمد: الحکمة الخالده، حقه و حقه له عبدالرحمن بدوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.
- ۳- الامین، السید محسن: اعیان الشیعه، حقه و أخرجه حسن الامین، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۳/هـ / ۱۹۸۳ م.
- ۴- انوار، سید عبدالله: فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران، تهران، کتابخانه ملی ایران، ۱۳۷۱-۱۳۶۵ ش.
- ۵- بهار، محمد تقی: سبک‌شناسی [یا] تاریخ تطوّر نثر فارسی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۷۰ ش.
- ۶- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله القسطنطنی: کشف‌الظنون عن اسامی الکتب والفنون، تقدیم سماحه آیه‌الله السید شهاب‌الدین الحسینی المرعشی النجفی، بیروت، دارالفکر، چاپ دوم، ۱۴۱۰/هـ / ۱۹۹۰ م.
- ۷- خوانساری، میرزا محمد باقر: روضات الجنّات فی احوال العلماء والسادات، تحقیق اسدالله اسماعیلیان، تهران - قم، مکتبه اسماعیلیان، ۱۳۹۲-۱۳۹۰ هـ.
- ۸- ریپکا، یان: ادبیات ایران در زمان سلجوقیان و مغولان، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گستره، ۱۳۶۴ ش.
- ۹- الصدر، السید حسن: تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، طهران، منشورات الاعلمی، بی تا.
- ۱۰- صفا، ذبیح‌الله: تاریخ ادبیات در ایران، تهران، انتشارات فردوس، چاپ هفتم، ۱۳۷۱ ش.
- ۱۱- مدرّس رضوی، محمد تقی: احوال و آثار نصیرالدین، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۴ ش.
- ۱۲- معین، محمد: فرهنگ فارسی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۰ ش.
- ۱۳- منزوی، احمد: فهرست نسخه‌های خطی فارسی، تهران، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، ۱۳۵۳-۱۳۴۸ ش.
- ۱۴- منزوی، احمد: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج‌بخش، اسلام‌آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۹۸۰-۱۹۷۸ م.
- ۱۵- نصیرالدین طوسی: اخلاق ناصری، به تصحیح و تنقیح مجتبی مینوی (و) علیرضا حیدری، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۶ ش.